

عنوان مقاله:

تحلیل محتوای کمی کتب مطالعات اجتماعی دوره دوم ابتدایی نظام آموزشی ایران از منظر یادگیری مبتنی بر مغز

محل انتشار:

اولین همایش برنامه ریزی درسی و تربیت ذهن در تربیت معلم (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

نویسندگان:

مرضیه بیانی - دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان پردیس امام خمینی(ره) گرگان

زهرا جمالی - دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا (س) یزد

خلاصه مقاله:

مغز انسان جایگاه عالی ترین تفکرات بشری است. یکی از مسائلی که پیوند عمیقی با مغز دارد، امر یادگیری می باشد. یادگیری مبتنی بر مغز، این حقیقت را می پذیرد که دانش آموز فعالانه، موقعیت های یادگیری خویش را می سازد و آشنایی کارگزاران تعلیم و تربیت با کارکرد مغز، به تحقق یادگیری معنادار و دستیابی به سطوح بالای تفکر در دانش آموزان می انجامد. توجه به یادگیری مبتنی بر مغز، در کتب مطالعات اجتماعی که بر توسعه فرآیندهای شناختی و تقویت قوه ی تفکر تاکید دارند؛ امری ضروری می باشد. پژوهش حاضر که با هدف تحلیل محتوای کمی کتب مطالعات اجتماعی دوره دوم ابتدایی از منظر یادگیری مغز محور، انجام گرفته است، با بهره گیری از روش تحلیل محتوا، پس از تبیین مفاهیم و مولفه های یادگیری مبتنی بر مغز، به بررسی میزان توجه کتب مطالعات دوره دوم بر اساس سه مولفه هوشیاری توأم با آرامش، غوطه ورسازی هماهنگ در تجارب پیچیده و پردازش فعال اطلاعات پرداخته است. یافته ها حاکی از آن است که در این کتب، به موضوع هوشیاری توأم با آرامش که منجر به پرورش هوش هیجانی می شود، کمتر از دیگر مولفه ها پرداخته شده و مطالعات پایه ی ششم ابتدایی، بیشترین توجه به آموزش مفاهیم از طریق یادگیری مغز محور دارد. به طور کلی، نتایج نشان می دهد، در تدوین کتب مطالعات اجتماعی دوره دوم ابتدایی، به مسئله بهره گیری فراگیران از مولفه های یادگیری مبتنی بر مغز، آنچنان که شایسته می باشد، پرداخته نشده است.

کلمات کلیدی:

یادگیری مبتنی بر مغز، کتب مطالعات، تحلیل محتوای کمی، دوره دوم ابتدایی، نظام آموزشی ایران

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1120249>

